

نمادهای اسطوره‌ای

۹

روان‌شناسی زنان

(متن کامل)

کهن‌الگوهای فرد تمندی که درون زنان می‌زیند
(با مقدمه جدید ۲۰۱۴)

جین شینودا بولن

مینو پرنیانی



Jean Shinoda Bolen
Goddesses in Everywoman(2014)

سرشناسه	بولن، جین شینودا Jean Shinoda.Bolen
عنوان و نام پدیدآور	نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان: کهن‌الگوهای قدرتمندی که درون زنان می‌زیند
مشخصات نشر	تهران: آشیان، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	۴۳۲ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۳-۱۴-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپای مختصر
یادداشت	عنوان اصلی: Goddesses in Everywoman
شناسه افزوده	پرنیانی، مینو، ۱۳۳۹، مترجم
شماره کتابشناسی ملی	۳۸۶۸۰۵۶



آشیان

شینودا بولن
نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان
(متن کامل)

مترجم: مینو پرنیانی

طراحی و آماده سازی روی جلد: پونه ناجیان

حروفچینی و صفحه‌آرایی: زهرا عزیزی

چاپ هفتم: ۱۴۰۳

تیراژ: ۳۵۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ تومان

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۵ طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۷۲۷۹۲ تلگرام و واتساب ۰۹۹۰۸۹۸۴۷۵۷

Ashian2002@yahoo.com

ISBN: 978-600-7293-14-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۳-۱۴-۰

تمامی حقوق این اثر محفوظ می‌باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی و به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و نشر الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع می‌باشد.

گفتاری از مترجم

به عنوان مشاور، اگر قرار باشد از میان مکاتب و روانشناسان مختلف، بگویم که به کدام مکتب و روانشناس بیش از همه علاقمندم و گرایش دارم، بدون کمترین تردیدی، کارل گوستا و یونگ را انتخاب می‌کنم. مفاهیم ناخودآگاه جمعی، کهن‌الگوها، اسطوره‌ها، اسطوره‌ها، آنیما و آنیموس و ... که این روانشناس بزرگ مطرح نموده، همواره جذاب‌ترین است. گرچه توفیق ترجمه کردن اثری از آثار ایشان را نداشته‌ام، اما کتاب "نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان، با مقدمه جدید مؤلف در ۲۰۱۴" دومین اثریست که از خانم شینودا بولن پیشرو مکتب یونگ، افتخار ترجمه آن نصیبم گردیده است.

دکتر شینودا بولن، روانشناس خلاق با دیدگاه جدیدی به اسطوره‌های کهن یونانی از منظر روانشناسی نگریسته‌اند. با اینکه زن هستم و گرچه گاهی برخی مرا فمینیست می‌خوانند، من نمی‌کنم که اصولاً علاقه‌ای به ایسم‌ها، از جمله مکتب فمینیسم ندارم، به خصوص انواع تندرو آن. ضمن اینکه نظریات فمینیستی تضادها و تناقضات بسیاری در خود به خصوص در جوامع غربی دارد بیش و پیش از هر چیز خود را یک انسان می‌داند و با حداقل آرزوی انسان شدن دارم؛ و هر یادآوری هر چه بیشتر و تأکید بر روی انسان شدن انسان.

آخرین نکته‌ای که به عنوان یک مشاور و آدم بسیار حساس^۱ (HSP) در این سطور مطرح می‌کنم آن است که بهتر است با دیدی انتقادی کتاب را خواند. تا هر میزانی که کتاب به کسب شناخت بیشتر از خود و یا عزیزانتان کمک می‌کند، آن را به کار بندید و از مابقی بگذرید.

م.پ

زمستان ۹۴

فهرست مطالب

۹	قدردانی.....
۱۱	پیش گفتار: گفتاری از گلوریا اشتاینم.....
۱۷	مقدمه.....
۳۷	فصل اول: کهن‌الگوها یونانی.....
۵۳	فصل دوم: فعال کردن کهن‌الگوها.....
۶۵	فصل سوم: کهن‌الگوها دوشیزه.....
۷۹	فصل چهارم: آرتمیس.....
۱۱۷	فصل پنجم: آتنل.....
۱۵۷	فصل ششم: هسپایا.....
۱۹۱	فصل هفتم: کهن‌الگوها استیلا.....
۱۹۹	فصل هشتم: هرا.....
۲۳۵	فصل نهم: دیمیتر.....
۲۷۱	فصل دهم: پرسفون.....
۳۰۳	فصل یازدهم: کهن‌الگوی کیمیاگر.....
۳۱۳	فصل دوازدهم: آفرودیت.....
۳۴۷	فصل سیزدهم: سیب طلایی.....
۳۶۵	فصل چهاردهم: قهرمان درون هر زن.....
۳۸۷	پیوست.....

پیش گفتار (گفتاری از گلوریا اشتاینم)^۱

مایلم شما را به خواندن این کتاب تشویق کنم، مخصوصاً اگر شما از آن دسته خوانندگانی هستید که، همچون من، حتی نسبت به موضوع کتاب مقاومت دارید. مگر می‌شود که کهن‌الگوها اسطوره‌ای و کهن، به تحلیل واقعیات امروزین، و یا آینده‌ای مساوات طلبانه کمک کرده، و مفید واقع شوند؟

بسیاری از ما، وقتی دوست قابل اعتمادمان، خرید کتابی را توصیه می‌کند، آن را می‌خریم. انگیزه‌ام از خرید این کتاب، آشنائیم با مؤلف آن دکتر شینودا بولن بود. او را زمانی شناختم که مسئول سازمان دهی گروهی از روانپزشکان برای طرح ERA بود. گروهی از زنان و مردان عضو انجمن روانپزشکان آمریکا^۲ که تجارب حرفه‌ای‌شان، آنان را به این باور رسانده بود که طرح قانونی شدن یکسان‌سازی درمان، در بهداشت روانی، آن نقشی حیاتی دارد. در نتیجه طرحی را گذراندند که از اصلاحیه یکسان‌سازی درمان حمایت می‌کرد.

کار گروهی، همیشه برآیندی از فعالیت تمامی افراد است، اما جین، سازمان‌دهنده شفاف، مؤثر و خودانگیخته‌ای بود. نه فقط با الهام بخشیدن به همکاران خود، چنین گروهی را تأسیس کرد، بلکه تا به نتیجه رسیدن این طرح، آن را سرپرستی کرد. او باعث شد تا در یکی از مشهورترین و تأثیرگذارترین سازمان‌های حرفه‌ای، تحولی صورت پذیرد. در عین حال که زن بود و اکثریت ۸۹ درصدی این سازمان را مردان تشکیل می‌دادند، آن‌چه موقعیت وی را دشوارتر می‌ساخت، اکثریت داشتن سفیدپوستان سازمان و بخصوص اینکه اکثریت ایشان، طرفداران نظام فرویدی بودند. به نظرم، وقتی

1 -GLORIA STEINEM

2 -American Psychiatric Association

پیشینه انجمن روانشناسان آمریکا، و احتمالاً پیشینه مسئولیت‌های اجتماعی این روانپزشکان به رشته تحریر درآید، فعالیت‌ها، و عملکردهای این زن ریزنقش با لهجه شیرینش، روشن خواهد شد.

وقتی مشغول خواندن فصل اول کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان بودم، پژواک صدای قابل اعتماد وی را در تمامی جملات شفاف و به دور از فخرفروشی وی می‌شنیدم، در ذهنم نسبت به کهن‌الگوها کهن‌الگویی، سوگیری عاطفی و تقدیرگرایانه‌ای می‌دیدم. هنگامی که یونگ^۱ و دیگران وجود چنین کهن‌الگوهای را در ناخودآگاه جمعی^۲ قائل شدند، با مخالفت آشکار یک یا هر دو قطب افراطی مردگرایان / زن‌گرایان^۳ مواجه شدند، حتی آنان که خویشان دارند، نه به اندازه زنانی که در دو بخش انتهایی این طیف قرار می‌گیرند، اما به هر حال در پذیرش این نظریه مقاومت‌هایی داشتند، که بارز نبود. مثلاً من نگران بودم که دیگران چه نوع استفاده‌ای از این کهن‌الگوها خواهند کرد؟ از طرفی نگران بودم که ممکن است زنانی باشند که تشویق به پذیرفتن محدودیت‌های خود و یا همانندسازی با یک نقش شوند.

توضیح درباره هر یک از کهن‌الگوها، نه تنها نگرانی‌هایم را برطرف ساخت، بلکه مسیرهای نوینی را در فهم آنها بر من گشود.

این هفت کهن‌الگوی پیچیده به شیوه‌های گوناگون مورد واریسی و تجزیه و تحلیل و در عین حال تلفیق قرار می‌گیرند، و البته هر کدام درون خود هزاران ویژگی دارند. ما را از دسته‌بندی‌های ساده انگارانه و کلیشه‌ای چون باکره/ فاسد، مادر/ معشوق که زنان را از دیرباز مورد آزار قرار داده، دور می‌سازد. بله، کهن‌الگوهای هستند که به هنگام ارتباط با یک مرد قدرتمند خود را آشکار می‌سازند، در دوران پدرسالاری^۴، زندگی مخفی دارند، ولی ضمناً پنهان و آشکار،

1 -C.G.Jung

3 -masculine / feminists

2 -Collective unconscious

4 -patriarchies

قدرت خود را آشکار می‌سازند. گاهی هم در حیطه‌هایی چون امور جنسی، سیاست، روشنفکری و معنویات، الگوهای خودمختارانه‌ای از خود نشان می‌دهند. جالب اینجاست که ما را به یاد زنانی می‌اندازند که با یکدیگر پیوند خورده و به داد هم می‌رسند.

دوم اینکه، این کهن‌الگوهای پیچیده، ممکن است بنا به نیازها و شرایطی که زنی در آن قرار گرفته، برانگیخته و با یکدیگر درآمیخته شوند تا بخش رشدنیافته درونش را پوشش دهند. خلاصه بگویم، نوع الگو و نقشی که یک زن ایفا می‌کند، چنین تأثیر بسزایی می‌تواند داشته باشد و البته اهمیتی که به فعال‌سازی و به کار انداختن کهن‌الگوی درون زن می‌دهیم.

محدود شدن در قالب یک یا چند کهن‌الگو توصیه نمی‌شود. از باهم بودنشان است که ویژگی‌های انسانی شکل می‌گیرد. در واقع، در دوران پیش از استیلای پدرسالاری، کهن‌الگوی بزرگی وجود داشت که با فروپاشی وی، این خرده کهن‌الگوها متجلی گشتند. شاید منصف شدن کل^۱، اولین گام در راستای درک و فهم آن باشد.

حداقل فایده وجود کهن‌الگوها کهن‌الگویی، در این است که نهفته است که می‌توان بسیاری از الگوهای رفتاری و شخصیتی زنان را به وسیله ایشان تجزیه و تحلیل کرده و توضیح داد. بهترین فایده‌ای هم که از مفهوم کهن‌الگوها می‌توان برد، این است که می‌توان با تجسم ایشان در ذهن، و فراخوانی آنان، توانایی‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز را در خود بیدار کرد.

ارزشمندترین نقش کتاب، لحظاتی‌ست که تکه پازل‌های گم شده پیدا شده و همان طور که نویسنده آن اذعان می‌کند، می‌گوییم: آها! لحظاتی شاخص، که موجب فهم و اندریافت‌مان می‌شوند، وقتی می‌فهمیم که آن‌چه

شخصاً تجربه کرده‌ایم، به واسطه این حقیقت بوده؛ "آره، پس به همین دلیل بود که..."، به این ترتیب آگاهی‌مان یک گام گسترش می‌یابد.

هر یک از خوانندگان کتاب، مطلب خاص خود را یادگرفته و بهتر است که "آها!" های شخصی خود را داشته باشد. مثلاً من، وقتی بخش آرتمیس^۱ را می‌خواندم، آنجا که با دیگر زنان هم‌پیمان شده، در عین حال که آرزو می‌کردم ای کاش مثل مادرش نباشد، دیدم که به کمک شتافت، این موضوع را عمیقاً درک کردم. از اینکه این کهن‌الگوی تمثیلی کم‌پیدا در جوامع پدر سالارانه را در خود یافتیم، احساس غرور کردم. در عین حال فهمیدم که جنبه نهراسیدن از مخالف خوانی‌ها و مخالفت جویی‌ها و خودانگیختگی آرتمیسی را در خود نپرورده‌ام. پرسفون^۲ همان عواطفی را در آئینه نشانمان می‌دهد که همه در دوران نوجوانی تجربه کرده‌ایم. نقاط ضعف و قوت وی را که دیدم، "آها!" هایی دیگر داشتم. چقدر حس حقارت ماندن پرسفونی برای آنکه دیگران توقعات و تصورات خود را بر وی فرافکنی کنند، برایم آشنا بود. اینکه تلاش کنی تا هویت‌های گوناگونی که در جوامع پدرسالارانه بر تو تحمیل می‌شوند را "از پس آن برای" از دیگر "آها!" گفتن‌هایم وقتی بود که: از عادت به کتابخوانی و عقل مداری که از ویژگی‌های آتنایی‌ست برخوردارم. یا ذهن‌های پذیرا و پراکنده هرا^۳، دیمتر^۴، پرسفون؛ و ارزش و اهمیتی که آفرودیت^۵ برای صمیمیت و خودانگیختگی در ارتباطات و کار خلاق قائل است.

چنانچه فاقد ویژگی‌های خاصی بوده و یا سر از رفتار برخی از اطرافیانمان در نمی‌آوریم، ایده کهن‌الگوها مفید واقع خواهد شد. شخصاً از شیوه ژرف‌اندیشانه هستیایی^۶، سروسامان دادن به کارهای روزانه را یاد گرفتم. شیوه دسته‌بندی و جداسازی او در انجام همین کارهای پیش‌پا افتاده، از

1 -Artemis

3 -Hera

5 -Aphrodite

2 -persephone

4 -Demeter

6 -Hestia

منظر معنوی و نمادین معنادار است. به آتنا و آرمیس که قدرت متمرکز شدن بر هدف را دارند، حسودیم شد، حال می‌فهمیدم که چرا بیشتر مردان یادگرفته‌اند که "به روی خودشان نیاورند" و به عبارتی فقط بر هدف متمرکز باشند. از این دو کهن‌الگوی ناوابسته یاد گرفتم که تعارض و ناسازگاری ضروری و حتی گاهی مثبت بوده، و نباید که از شخصیت فرد حذف شود.

زین پس، مثلاً وقتی دلم برای گفتگویی صمیمانه و خودانگیخته و جادویی پرکشید، می‌دانم که این آفرودیت است که مرا فرا می‌خواند. گویی یک قطعه موسیقی زیبا نواخته شده، می‌دانم که این آفرودیت است که هر یک از اعضای نوازنده را از قالب‌های شخصی‌شان به درآورده، به نواختن هماهنگ این قطعه زیبا برانگیخته است. وقتی نیاز به خلوت و ژرفاندیشی داشته باشم، هستیا را خبرم خواهد بود. وقتی شهامت مواجهه با بخشی از خود و یا دیگر زنان را ندارم به آتنا، آرمیس می‌افتم.

اینکه اول حقیقت رخ می‌دهد یا مسئول شدن حقیقت، چندان مهم نیست. همان طور که جین هوستون^۱ در *انسان شایسته* همیشه به یک اسطوره در ذهن خود فکر کرده‌ام. چیزی که انگار هیچ وقت نبود و در عین حال، همیشه رخ می‌نماید. همان گونه که ما خود را از فضای به دور از عدالت بیرون می‌کشیم، کهن‌الگوها کتاب، مسیری جدید را در برابرمان می‌گشایند. راههایی نوین برای دیدن و شدن.

شاید شما هم اسطوره‌ای بیابید که حقیقت را بر شما می‌گشاید.

گلوریا اشتاینم

مقدمه‌ای بر سی‌امین سالگرد چاپ کتاب

کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان در سال ۱۹۸۴ برای اولین بار به چاپ رسید. رویکرد روانشناسانه این کتاب درباره زنان، مبتنی بر اسطوره‌ها و کهن‌الگوها کهن یونانی‌ست که قدمتی بیش از سه هزار سال داشته‌اند. چاپ اول کتاب در فهرست پرفروش‌ترین‌ها قرار گرفته و به سرعت کمیاب شد.

کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان دربرگیرنده کلیتی از دانسته‌های من در مقام روانپزشک، تحلیل‌گری یونگی و ضمناً یک فمینیست^۱ است. در هر سه مورد، آه‌های بی‌بدیلی از بودن و رفتار کردن را شاهد بودم که نظام دآوری‌کننده پدرسالارانه مورد تشویق و یا رد قرار می‌داده است. ضمناً متوجه الگوهای روان‌شناختی شده که نشان می‌دادند، چگونه یک زن نسبت به حوادث ناخواسته و یا فرصت‌های زندگیش عمل نشان می‌دهد. هنگامی که به ادبیات اسطوره‌ای یونانی علاقمند شدم، متوجه همانندی قابل توجه ایشان با شیوه تفکر خود گشتم. دیدم که در مجموع صاحب‌نظرهای از خصایص انسانی‌اند. در اسطوره‌هایی که از کهن‌الگوها یونانی موجود است، هر کهن‌الگویی ویژگی‌ها و ارزش‌های متفاوتی دارند، و در مجموع صاحب‌گستره‌ای از خصایص انسانی‌اند. خصایصی چون رقابت‌جویی و خردمندی. از اینکه توانستم این ارتباط را برقرار کنم، بسیار هیجان‌زده شدم. همان احساسی را داشتم که، احتمالاً یک باستان‌شناس، از کنار هم قراردادن قطعه سفال‌های دیرینه‌ای پیدا می‌کند که بر هر تکه آن جمله‌ای‌ست، اما با در کنار هم نهادن قطعات، شعر کامل آن مشخص می‌گردد. بسیاری از خوانندگان این کتاب نیز اعلام کرده‌اند، با خواندن کتاب، نکاتی بر ایشان افشاء شده و "آها!" هایی گفته‌اند، چون نمونه‌هایی زنده از کهن‌الگوهای را، که از خلال اعصار همچنان زنده‌اند با چشمان خود دیده‌اند. و

اینکه نظریه کهن‌الگوها تجلی‌بخش قسمت‌های پنهان شخصیت ایشان بوده و در نتیجه خواندن کتاب، زندگی‌شان متحول گردیده است.

پیام و کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان در سراسر اروپا، آفریقا، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، روسیه جدید، و بسیاری از دیگر کشورها بارها تجدید چاپ گردیده است. حقوق زنان از جمله حقوق بشر است. در بسیاری از کشورهای دنیا، زنان از کمترین حق و حقوق نیز برخوردار نیستند. مرزهای جغرافیایی موانع بسیاری بر سر راه آزادی و حقوق بشر قرار می‌دهند، اما همین امر باعث می‌شود تا زنان قدرتمند گردیده و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند. نمی‌توان جلوی آراء و اندیشه‌ها را گرفت. این کتاب دربردارنده آن گونه‌ای از روانشناسی است که به زنان کمک می‌کند تا انتخاب‌های خود را کرده، خود را به دیده قهرمانان داستان زندگی خویش دیده و در آن تغییری ایجاد کنند. همین امر تأثیر بسزایی بر کل جهان دارد.

زنان کشورهای غربی، برای بالابردن بالقوه‌های خود، و فراهم کردن یک زندگی سالم و شاداب، هرگز تا پیش از این، چنین فرصت مغتنمی نداشته‌اند. برای داشتن یک زندگی معنادار، باید کاری را که شخصاً دوست داریم، برای کسی که دوستش داریم و او هم دوستمان دارد، انجام داده و با ارزش‌های خودمان زندگی کنیم. وقتی که ارزش‌هایمان، شهامت، مهربانی، همدردی، عدالت‌خواهی و خدمتگزاری باشند، آنگاه کمک می‌کنیم تا دنیایمان به جای بهتری برای زیستن تبدیل شود. هنگامی که آدم‌ها خود - تخریب‌گرند و به سیاره زمین و همه آدم‌ها آسیب می‌رسانند، آن‌چه ما می‌کنیم، مضرتر است.

نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان، همان امکانی است که من نامش را مفهوم روانشناسانه دوهسته‌ای^۱ زنان گذارده‌ام. از خلال دو چشم به دوانگاره می‌نگریم، و بعد در مغزمان تصویری سه بعدی تشکیل می‌شود. در سطح آگاهی

[illegible][illegible][illegible]

مشاغل، حیطه‌های تخصصی، رفتارهای سیاسی، پزشکی یا نمایشی کشیده می‌شویم؛ به سمت معشوق داشتن، مادر بودن، ازدواج کردن یا تنها ماندن سوق پیدا می‌کنیم. اینکه اجازه دهیم تا فاعلانه و در راستای کهن‌الگوی درونمان زندگی کنیم یا نه، زندگی‌مان معنا یافته، سرشار از شادی و یا اندوه می‌شود.

پنج سال پس از چاپ کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان، به عبارتی در سال ۱۹۸۹، کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی مردان^۱ را تألیف کردم. هنگامی که در باب کهن‌الگوها درون زنان سخنرانی یا صحبتی داشتم، مردان از من می‌پرسیدند: "پس ما چه؟" بسیاری از ایشان کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان را خوانده و شناخت بهتری درباره زنان زندگی خود پیدا کرده بودند. بسیاری از مردان متوجه شده بودند که به سمت زنان خاصی کشیده می‌شوند، گویی بخشی از وجودشان بر زنانی خاص فرافکنی^۲ می‌شد. حتی با برخی مردان مواجه شدم که اظهار می‌کردند، فهمیده‌اند که کهن‌الگویی کهن‌الگویی در درون ایشان حضور دارد. هنگامی که کتاب نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی مردان را می‌نوشتم، باز هم با جنبه‌های دیگری از خود آشنا می‌شدم. با خود گفتم مجموعه این دو کتاب چنین عنوانی می‌تواند داشته باشد - نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان و مردانی که در هر انسانی می‌زیند.

جین شینودا، بولن MD

مارس ۲۰۱۴